



۹. صاحب ریاض حکم به حرمت «الصور المجسمه ذوات الارواح»<sup>۱</sup>.
۱۰. علامه در تذکره «عمل تماثيل و صور مجسمه» را حرام دانسته است.<sup>۲</sup>
- ایشان هم چنین در جایی دیگر می نویسند که نباید در اطاق، فرش یا پشتی یا تابلویی که صورت حیوان بر آن است موجود باشد و دلیل می آورند که «لأن ذلك محرم فلا يجوز له الصبر عليه لأنه كالرضا به والتقيرير له»<sup>۳</sup>
۱۱. علامه در مختلف می نویسد:
- «مسألة: قال ابن البرّاج: يحرم التماثيل المجسّمة و غير المجسّمة و قال ابن إدريس: و سائر التماثيل و الصور ذات الأرواح مجسّمة كانت أو غيرها. و أبو الصلاح قال: يحرم التماثيل، و أطلق. و قال الشيخان: يحرم عمل التماثيل المجسّمة، و كذا قال سلّار. و هذا لا يعطى اباحة غيرها صريحا بل من طريق المفهوم»<sup>۴</sup>
- همین مطلب به نوعی در کلمات شهید اول در دروس هم مطرح است.<sup>۵</sup>
۱۲. علامه در منتهی المطلب<sup>۶</sup> «عمل الصور المجسمه» را تحریم می کند و همین مطلب را در نهاییه، ارشاد و تذکره و قواعد و تحریر نیز مطرح می کند.<sup>۷</sup>
- همین تعبیر را شهید ثانی در حاشیه ارشاد،<sup>۸</sup> و صاحب معالم در معالم،<sup>۹</sup> شهید اول در لمعه مطرح کرده است.<sup>۱۰</sup>

- 
۱. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۵۰۱.
۲. تذکره الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۸۸.
۳. تذکره الفقهاء، ج ۱۲، ص ۵۷۸.
۴. مختلف، ج ۵، ص ۱۳.
۵. الدروس الشرعیة، ج ۳، ص ۱۶۳.
۶. منتهی المطلب، ج ۱۵، ص ۳۷۹.
۷. نهاییه الاحکام، ج ۲، ص ۵۲۹. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۰. تذکره الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۴۰. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۸۰. ارشاد الازهان، ج ۱، ص ۳۵۷.
۸. حاشیه ارشاد، ج ۲، ص ۸.
۹. معالم الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.
۱۰. اللمعة الدمشقیة، ص ۱۰۳.



۱۳. شهید ثانی به صراحت ذوی الارواح را تحریم کرده است.<sup>۱</sup> ایشان در حاشیه شرایع و شرح لمعه ضمن اینکه به صراحت فرقی بین مجسمه و غیر مجسمه نگذاشته است، حکم را مختص به ذات الارواح دانسته است.<sup>۲</sup> همین مطلب را ایشان در مسالک الافهام نقل کرده است ایشان در مسالک ضمن اشاره به کلام محقق حلّی که «صور مجسمه» را تحریم کرده بود می‌نویسد:

«إطلاق الصور يشمل ذوات الأرواح و غيرها، كصور الشجر. و التقييد بالمجسّمه يخرج الصور المنقوشة على نحو البساط و الورق. و قد صرح جماعة من الأصحاب بتحریم التماثيل المجسّمه و غيرها. و خصّه آخرون بذوات الأرواح المجسّمه. و الذي رواه الصدوق في كتاب عقاب الأعمال في الصحيح، عن أبي عبد الله عليه السلام أنّه قال: «ثلاثة يعذبون يوم القيامة، و عدّ منهم من صور صورة من الحيوان يعذب حتى ينفخ فيها، و ليس **بنافخ فيها**». و هذا يدل بإطلاقه على تحریم تصوير ذوات الأرواح مطلقا. و لا دليل على تحریم غيرها. و هذا هو الأقوى.»<sup>۳</sup>

۱۴. تنقیح الرائع حرمت را مختص به مجسمه و ذوی الارواح می‌داند و می‌نویسد:

«تحریمه بشرطین: أحدهما أن يكون مجسما، فلو كان غير مجسم كالمنقوش على الجدار و البساط فلا بأس، و ثانيهما أن يكون صورة لذي روح - أي لحيوان من الحيوانات - فلو كان صورة نخلة أو شجرة لم يحرم. هذا قول الشيخين و رأى المتأخرين.»<sup>۴</sup>

این مطلب را سبزواری در کفایه الاحکام مطرح کرده است.<sup>۵</sup>

۱۵. مرحوم نراقی در زمره محرمات می‌نویسد:

«و منها عمل الصور، و هي أقسام لأنّها إمّا صورة ذی روح أو غيره و على التقديرين إمّا مجسّمه أو منقوشة، فالأولى حرام عمله مطلقا بلا خلاف أجده، و ادّعی الأردبیلی الإجماع علیه و كذا الكرکی و نفی الريب عنه. و فی المختلف نفی العلم بالخلاف فيه ... و أمّا البواقی فقد وقع الخلاف فيها، فالثانية محرّمة

۱. حاشیه مختصر النافع، ص ۹۱.

۲. حاشیه شرایع الاسلام، ص ۳۲۶. شرح لمعه، ج ۳، ص ۲۱۲.

۳. مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۱۲۶.

۴. التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۲، ص ۱۱.

۵. کفایه الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۷.



عند الحلّی و القاضي و شیخنا الشہید الثانی و بعض آخر، و جوّزها جماعة بل قيل: إنّه الأشهر، و الأوّل هو الأظهر لإطلاق النصوص المتقدّمة.<sup>۱</sup>

۱۶. دراسات درباره برخی اجماع‌های ادعا شده می‌نویسد:

«قد نقلنا كلمات المتأخرين من الأصحاب من جهة دعواهم الإجماع في المسألة، و أوّل من ادعاه منهم المحقّق الكركی في جامع المقاصد. و لم نعر على دعواه في كلمات القدماء من أصحابنا، و هل يكون مثل هذه الدعوى حجّة مستقلة في مثل هذه المسألة التي ورد فيها أخبار كثيرة من طرق الفريقين يحدث كونها مدرکا للفتاوی.»<sup>۲</sup>

ایشان سپس برای نفی اجماع به سخن مرحوم شیخ طوسی در تبیان اشاره می‌کنند که مجسمه سازی را مکروه می‌داند و می‌نویسد:

«و معنی قوله: ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ أی اتخذتموه إلهًا لأنّ بنفس فعلهم لصورة العجل لا يكونون ظالمين لأنّ فعل ذلك ليس بمحظور و إنما هو مكروه. و ما روى عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ لعن المصوِّرين معناه: من شبّه الله بخلقه أو اعتقد فيه أَنّه صورة، فلذلك قدّر الحذف في الآية كأنّه قال: اتخذتموه إلهًا.»<sup>۳</sup>

ایشان سپس اضافه می‌کند که شیخ طوسی کتاب تبیان را پس از نهاییه نوشته و لذا «و علی هذا فلعلّ كلامه في النهاية صدر عنه علی أساس كلمات الأصحاب و الاحتياط في المسألة، و بعد التحقيق ثبت له الجواز مع الكراهة.»<sup>۴</sup>

۱۷. اهل سنت، تصویر سازی از جمادات را جایز می‌دانند(الاّ اینکه بدانیم می‌خواهند آن را پرستش کنند.) و تصویر سازی از نباتات و درختان را نیز تجویز کرده‌اند اگرچه احمد بن حنبل آن را مکروه دانسته است، اما درباره تصویر حیوان و انسان در میان ایشان اختلاف است. یک گروه تنها در صورتی آن را حرام می‌دانند که ساخت بت باشد، گروه دوم (مالکیه و برخی از حنابله) در صورتی که مجسمه انسان یا حیوان به صورت کامل (و نه در صورتی که یکی از اعضای که انسان یا حیوان بدون آن زنده نمی‌ماند موجود نباشد)

۱. مستند الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲. دراسات فی المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۵۷.

۳. تبیان، ج ۱، ص ۸۵.

۴. دراسات فی المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۵۸.



باشد و از چیزی ساخته شود که باقی می ماند (و نه از مثل پوست خربوزه) حرام است. گروه سوم (حنفیه،

شافعیه و حنابله) مجسمه و نقاشی از ذوی الارواح مطلقاً حرام است.<sup>۱</sup>

۱۸. گفته شده است کلمات فقهاء که دارای اطلاق است و هر نوع تصویر (اعم از نقاشی و مجسمه سازی و اعم

از ذی الروح و غیر ذی الروح) را تحریم کرده، ظاهراً نمی تواند «باطلاقه» مدّ نظر ایشان باشد. در این باره

نوشته شده است:

«قد دلت أخبارنا أيضاً على عدم حرمتها و یبعد جداً إفتاء أصحابنا على خلافها بعد استفاضتها و اعتبار

أسناد بعضها كما يأتي.

مضافاً إلى استقرار السيرة إلى عصر المعصومین علیهم السلام على تصوير الأشجار و الأوراد و الجبال و

البحار و الشطوط و الأنهار و سائر المناظر الحسنة المبهجة و لا سیما بنحو النقش على الأوراق و الفروش

و الثياب، و قد شاع فی جميع الأعصار أيضاً فی مرحلة التعليم و التعلّم نقش الأشياء الطبيعية لتفهیم

المتعلّمين.

و على هذا فتحمل إطلاقات الفتاوی و كذا الأخبار على خصوص ما كان محطاً للنظر عند الفقهاء من

الفریقین أعنی صور ذوات الأرواح فقط، و هی التي كانت فی جميع الأعصار معرضاً للتقديس و العبادة

عند بعض الفرق و ناسبت لذلك النهی عنها و حذفها عن مظاهر حياة البشر.<sup>۲</sup>

ما می گوئیم: اینکه سیره مستمره تا زمان معصومین بر این امر مستقر بوده باشد در کلام مرحوم خوئی آمده<sup>۳</sup>

ولی این سخن محل نظر است. اما اینکه این سیره بعدها مستقر شده است می تواند ناشی از عدم مبادلات به

این بوده باشد. کما اینکه این امر در موارد دیگری هم جاری بوده است. ضمن اینکه نمی توان به صرف وجود

یک احتمال دست از اطلاق عبارات فقها برداشت و آن ها را حمل بر معنای مقید کرد.

۱۹. دراسات همین مطلب را در مورد روایات هم مطرح می کند:

۱. الموسوعة الفقهية، ج ۱۲، ص ۹۷.

۲. دراسات فی المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۵۹.

۳. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۲۳.

«و علی هذا فما يوجد من الأخبار المطلقة في هذا الباب يجب رفع اليد عن إطلاقها و حملها علی خصوص ذوات الأرواح. و إنما الذي يجب البحث فيه هو أنه هل تختصّ الحرمة علی القول بها بخصوص المجسم من ذوات الأرواح و هي التي كانت معرضا لتقديس الأمم و العبادة لها أو تعمّ المنقوش منها أيضا»<sup>۱</sup>

ما می گوئیم:

برای اینکه بتوانیم اطلاقات روایات را حمل بر ذی الروح کنیم، محتاج آن هستیم که «فلسفه بت پرستی» که در کلمات امام مطرح شده بود را بپذیریم و آن را قرینه حالیه بگیریم برای اینکه روایات از معنای مطلق، منصرف است. و اگر چنین نکته‌ای را نپذیریم، دلیلی بر عدول از اطلاقات نداریم. اما اگر به آن فلسفه (قلع ماده بت پرستی) قائل شدیم، در این صورت مسئله فقط مختص به ذی الروح نمی‌شود بلکه اگر تصویر غیر ذی الروح مثل تصویر ماه و خورشید هم روزی زمینه پرستش یافتند حرام می‌شوند و اگر تصویر یک ذی الروح چنین زمینه‌ای نداشت (مثل تصویر کرم خاکی)، تحریم نمی‌گردد.



۱. دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۶۰.